

## ماهیت سازوکار حل و فصل اختلافات برجام

همایون حبیبی<sup>۱</sup>، مصطفی امیری<sup>۲\*</sup>

### چکیده

با انعقاد برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) در ۱۴ جولای ۲۰۱۵، بین ایران و گروه ۵+۱، اختلاف هسته ای ایران بعد از نزدیک به ۱۳ سال پایان پذیرفت. بلافاصله پس از این اتفاق، شورای امنیت قطعنامه ۲۲۳۱ را در تأیید مفاد برجام به تصویب رساند. این سند که تمامی تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل و همچنین تحریم‌های چندجانبه و ملی (اتحادیه اروپا و آمریکا) مرتبط با برنامه هسته ای ایران را لغو کرده، در بندهای ۳۶ و ۳۷ خود، سازوکار حل و فصل اختلافات و رسیدگی به نگرانی‌ها و ادعای عدم پایبندی اعضا به تعهداتشان را پیش‌بینی کرده است. این سازوکار از جهات بسیاری، متفاوت از شیوه‌های سنتی حل و فصل اختلافات (حقوقی و سیاسی) بوده و به‌عنوان یک شیوه بدیع و ابتکاری، دارای وجوه مشابهت با «آیین عدم پایبندی» است. این مقاله مبتنی بر روش توصیفی - تحلیلی، ضمن اشاره اجمالی به محتوای برجام و قطعنامه ۲۲۳۱، به تفصیل و به‌دقت به تبیین ماهیت سازوکار حل و فصل اختلافات برجام می‌پردازد.

### کلیدواژگان

آیین عدم پایبندی، برجام، سازوکار حل و فصل اختلاف، گروه ۵+۱.

۱. دانشیار، گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.  
Email: homayounhabibi@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد امارات متحده عربی (نویسنده مسئول).  
Email: mostafa.amiri71@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۲۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۱۰

## مقدمه

ادعای گروهک منافقان در سال ۲۰۰۲ مبنی بر انجام یک سری فعالیت‌های هسته‌ای توسط ایران در اصفهان، نطنز و اراک، و به‌دنبال آن، تأیید این فعالیت‌ها توسط آژانس، نقطه آغاز اختلاف هسته‌ای ایران بود. در جریان بررسی پرونده هسته‌ای در شورای حکام آژانس، ۹ قطعنامه علیه ایران صادر شد که در نهایت به موجب قطعنامه ۴ فوریه ۲۰۰۶، پرونده هسته‌ای به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع داده شد. همزمان با تلاش آژانس و شورای امنیت برای حل‌وفصل نهایی پرونده هسته‌ای، ایران نیز با گروهی تحت عنوان «۱+۵» (آمریکا، فرانسه، انگلیس، چین، روسیه و آلمان)، مذاکراتی را با هدف مختومه نمودن پرونده آغاز کرد تا اینکه سرانجام طرفین در ۱۴ جولای ۲۰۱۵ توافق با عنوان «برنامه جامع اقدام مشترک» (برجام) را منعقد کردند. این توافق که از آن می‌توان به‌عنوان یکی از اتفاقات حقوقی و بین‌المللی مهم قرن ۲۱ در حوزه علوم و فناوری هسته‌ای یاد کرد (رضائی پیش‌رباط، ۱۳۹۵: ۸۴)، براساس نظر اکثریت، موافقت‌نامه سیاسی و نه معاهده حقوقی الزام‌آور محسوب می‌شود. مهم‌ترین دلایل چنین امری، جنس مفاد و محتوای توافق و عدم قصد و اراده طرفین برای پذیرش یک معاهده حقوقی الزام‌آور است<sup>۱</sup> (Mardani & Hooshmand, 2016: 82). برجام دربرگیرنده تعهدات سیاسی و داوطلبانه‌ای (طبق فرایند مشروح در سند) است که نافی تکالیف اجباری حقوقی براساس تکالیف و الزامات حقوق داخلی است (بعیدی‌نژاد، ۱۳۹۴: ۸). طبق برجام، قرار شد که تحریم‌های شورای امنیت، اتحادیه اروپا و تحریم‌های یکجانبه آمریکا در خصوص برنامه هسته‌ای ایران به‌صورت کامل لغو شود. البته در حال حاضر با خروج یکجانبه آمریکا از برجام، آینده این سند با ابهامات و سؤالات بسیاری روبه‌روست. صرف‌نظر از کلیت برجام که به اعتقاد برخی، به‌عنوان یک شیوه ابتکاری، تحولی در نظام حل‌وفصل اختلافات هسته‌ای ایجاد کرد، سازوکار حل‌وفصل اختلافات مرتبط با خود سند نیز دارای ویژگی‌های بدیع و ابتکاری است که قابلیت بررسی دارد. در این زمینه، پرسش اصلی این مقاله این است که ماهیت سازوکار حل‌وفصل اختلافات برجام (بندهای ۳۶ و ۳۷) چیست؟ در پاسخ، این فرضیه قابل طرح است که این سازوکار، متفاوت از شیوه‌های سنتی حل‌وفصل اختلافات در حقوق بین‌الملل است و می‌توان مشابهت‌هایی را میان این سازوکار و «آیین عدم‌پایبندی»<sup>۲</sup> یافت. این مقاله، شامل سه قسمت اصلی است: مفاد برجام و قطعنامه ۲۲۳۱، ترتیبات حل‌وفصل اختلافات سند و ارتباط میان سازوکار حل‌وفصل اختلافات برجام با آیین عدم‌پایبندی.

1. Joyner, Dan, "Guest Post: The Joint Comprehensive Plan of Action Regarding Iran's Nuclear Program", issued: 15 July 2015, Last visited: 21 September 2018, Available at: <http://opiniojuris.org>

2. Non-Compliance Procedure

## نگاهی به مفاد برجام و قطعنامه ۲۲۳۱

برجام دربرگیرنده ۳۷ بند و ۵ سند «ضمیمه» است. قسمت اول برجام به موضوع غنی‌سازی، تحقیق و توسعه غنی‌سازی و ذخایر اختصاص یافته است. براساس اولین مقرر در این قسمت: «طرح بلندمدت ایران شامل برخی محدودیت‌های مورد توافق در مورد همه فعالیت‌های غنی‌سازی اورانیوم و فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی اورانیوم، از جمله برخی محدودیت‌های مشخص در برخی فعالیت‌های خاص تحقیق و توسعه، برای هشت سال نخست، و به دنبال آن، با ضرباهنگ معقول، تکامل تدریجی به سمت مرحله بعدی فعالیت‌های غنی‌سازی ایران برای اهداف منحصراً صلح‌آمیز خواهد بود» (JCPOA, 2015: Section. A (1)). دیگر مفاد این قسمت بدین شرح است: تحقیق و توسعه غنی‌سازی بدون انباشت اورانیوم غنی‌شده؛ انجام فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی طی ۱۵ سال، صرفاً در نطنز اصفهان و تبدیل فردو به مرکز هسته‌ای، فیزیک و فناوری و اینکه سقف سطح غنی‌سازی اورانیوم، ۳/۶۷ درصد و مقدار هگزافلوراید اورانیوم غنی‌شده، ۳۰۰ کیلوگرم است (طی مدت ۱۵ سال) (JCPOA, 2015: Section. A (2-7)).

قسمت دوم، به مسائل مرتبط با تأسیسات اراک، آب سنگین و بازفراوری می‌پردازد؛ اینکه ایران اقدام به «بازطراحی و بازساخت یک راکتور تحقیقاتی آب سنگین مدرنیزه شده در اراک خواهد کرد». نکات مهم دیگر اینکه به مدت ۱۵ سال، راکتور آب سنگین دیگر یا انباشت آب سنگین، در ایران نخواهد بود و بازفراوری یا ساخت تأسیسات قادر به انجام این کار به‌جز فعالیت‌های جداسازی با هدف تولید رادیوایزوتوپ‌های پزشکی و صنعتی برای همیشه ممنوع است (JCPOA, 2015: Section. B (8-12)). در برجام، از اقدامات اعتمادساز به‌عنوان بخشی از سیستم راستی‌آزمایی سند صحبت شده است. از جمله الزامات ایران در این حوزه عبارت‌اند از: اجرای موقتی پروتکل الحاقی و اقدام به تصویب آن در چارچوب زمانی مقرر در ضمیمه ۵؛ اجرای «نقشه راه برای رفع ابهام از مسائل مورد اختلاف حال و گذشته» مورد توافق با آژانس و فراهم کردن امکان نظارت آژانس بر اجرای اقدامات داوطلبانه مذکور (JCPOA, 2015: Section. C (13-17)). در قسمت چهارم برجام، به موضوع تحریم‌ها پرداخته شده است. برخی از مفاد این قسمت عبارت‌اند از: لغو تمامی قطعنامه‌های شورای امنیت، اتحادیه اروپا و آمریکا مرتبط با برنامه هسته‌ای، همزمان با اجرای اقدامات توافق‌شده و خودداری اتحادیه اروپا و آمریکا از بازگرداندن یا تحمیل مجدد تحریم‌های لغوشده (JCPOA, 2015: Section. D (18-26)).

در خصوص قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت هم نکاتی قابل اشاره است. در نخستین بند قطعنامه، تصریح شده است که شورا برجام را تأیید کرده و به‌طور جدی خواستار اجرای کامل آن است (S/RES/2231, 2015: para. 1). در بندهای ۳ و ۴، وظیفه راستی‌آزمایی و نظارت ضروری بر تعهدات ایران و ارائه گزارش‌های منظم به شورای حکام و در صورت اقتضا، شورای امنیت بر

عهده مدیر کل آژانس قرار داده شده است (S/RES/2231, 2015: paras.3-4). براساس نظر شورای امنیت، ۱۰ سال پس از روز توافق، مفاد این قطعنامه باید لغو، و رسیدگی به موضوع هسته‌ای توسط شورا پایان پذیرد. همچنین موضوع عدم اشاعه از فهرست موضوعات در دستور کار این رکن سازمان ملل خارج می‌شود (S/RES/2231, 2015: para.8). بندهای ۲۱ تا ۲۳ قطعنامه به لغو کلیه قطعنامه‌های مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران اشاره دارد. نکته مهم شایان ذکر در مورد مفاد قطعنامه اینکه طبق بند ۲۷: «تمام مفاد برجام برای اجرای میان گروه ۵+۱ و ایران است و نباید به‌عنوان ایجاد سابقه برای دولت دیگری یا برای اصول حقوق بین‌الملل یا حقوق و تکالیف وفق معاهده منع اشاعه تسلیحات هسته‌ای و سایر اسناد مربوطه و همچنین اصول و رویه‌های شناخته‌شده بین‌المللی قلمداد شود» (S/RES/2231, 2015: para.27).

## بندهای ۳۶ و ۳۷ برجام

در اینجا، ابتدا بندهای ۳۶ و ۳۷، و سپس، وضعیت پایبندی طرفین به تعهداتشان بررسی می‌شود.

### ۱. ترتیبات حل و فصل اختلافات

براساس بند ۳۶ برجام، حل و فصل اختلافات میان طرفین بر عهده نهادی تحت عنوان «کمیسیون مشترک» خواهد بود که متشکل از نمایندگان گروه ۵+۱ و ایران و نیز نماینده عالی اتحادیه اروپایی در امور خارجه و سیاست امنیتی است. کمیسیون به‌عنوان نهاد نظارتی برجام، به موضوعات ناشی از اجرای این سند رسیدگی می‌کند (JCPOA, 2015: Preamble and General Provisions (IX)). البته در حال حاضر، با توجه به خروج آمریکا از برجام، جلسات کمیسیون بدون حضور نماینده این کشور تشکیل می‌شود. بررسی اعضای کمیسیون نشان می‌دهد طرف غربی همواره اکثریت را در آن در اختیار دارد. برخی از کارکردهای کمیسیون عبارت‌اند از: مرور و تصویب طراحی نهایی رآکتور مدرن‌شده تحقیقاتی آب سنگین؛ مرور و تصویب طرح‌های ارائه شده توسط ایران برای آغاز تحقیق و توسعه بر روی سوخت رآکتور تحقیقاتی تهران بر مبنای فلز اورانیوم؛ مرور و رایزنی برای پرداختن به موضوعات ناشی از اجرای لغو تحریم‌ها و حل و فصل موضوعات مرتبط با عدم اجرای تعهدات اعضا، براساس فرایند مشروح در برجام (JCPOA, 2015: Annex IV, para. 2 (1-16)). جلسات کمیسیون به‌طور معمول، هر ۳ ماه یک‌بار برگزار خواهد شد. البته هر یک از اعضا هم می‌توانند در هر زمانی تقاضای تشکیل جلسه کنند که باید ظرف یک هفته تشکیل شود (JCPOA, 2015: Annex IV, para. 3 (1-2)). تصمیمات در کمیسیون با اجماع اتخاذ می‌شود؛ مگر در خصوص موضوعات تحت «بخش Q» از ضمیمه ۱ (که در مورد دسترسی‌هاست) که می‌توان با پنج رأی

مثبت اعضا نیز در مورد آنها تصمیم‌گیری کرد (JCPOA, 2015: Annex IV, para. 4 (1,4)). در خصوص نحوه رسیدگی کمیسیون، بند ۳۶ برجام تصریح دارد که چنانچه ایران معتقد به عدم‌پایبندی هر یک یا تمامی اعضای گروه ۵+۱ به برجام باشد، یا هر یک از اعضای این گروه، چنین اعتقادی را نسبت به ایران داشته باشند، می‌توانند شکایت خود را نزد کمیسیون مطرح کنند. این نهاد باید ظرف مدت زمان ۱۵ روز (قابل تمدید) به حل و فصل موضوع بپردازد. اگر هر یک از طرفین همچنان معتقد به فیصله‌نیافتن موضوع باشد، می‌تواند موضوع را نزد وزرای خارجه کشورهای عضو مطرح کند. این وزرا نیز ۱۵ روز (قابل تمدید) فرصت دارند تا موضوع را فیصله دهند. رسیدگی به شکایت به همین جا ختم نمی‌شود. این امکان فراهم شده است که پس از بررسی کمیسیون مشترک، به موازات (یا به جای) بررسی در سطح وزرای خارجه، عضو شاکی یا عضوی که پایبندی‌اش زیر سؤال بوده است، از یک هیأت مشورتی متشکل از ۳ عضو (یک عضو از طرف ایران و یک عضو از طرف گروه ۵+۱ و عضو سوم به صورت مستقل) بخواهد که به موضوع رسیدگی کند (حداکثر ظرف، ۱۵ روز). نتیجه رسیدگی هیأت در قالب یک نظریه غیرالزام‌آور است. چنانچه متعاقب این فرایند ۳۰ روزه یا بیشتر، موضوع همچنان بدون حل و فصل باقی بماند، این بار کمیسیون فرصت دارد که ظرف مدت ۵ روز با تمرکز بر نظریه هیأت مشورتی، موضوع را حل و فصل کند (JCPOA, 2015: para.36). اینکه تصمیم‌گیری در کمیسیون نیازمند اجماع طرفین است، برای ایران به مثابه تیغ دولبه است. همان‌گونه که ممکن است شکایت ما علیه یک عضو برجام به دلیل وتو یکی از اعضا به نتیجه نرسد، این امکان وجود دارد که ایران هم بتواند تصمیم کمیسیون علیه خود را نیز وتو کند. بیان شده است که با توجه به اینکه کسب رأی اکثریت در کمیسیون، برای ایران بسیار دشوار است، در نظر گرفتن رأی اجماع از نظر حقوقی به نفع ایران محسوب می‌شود (احدیان، ۱۳۹۴: ۶۵-۶۴). مطالب مذکور، یکی از ضعف‌های سازوکار حل و فصل اختلافات برجام را آشکار می‌سازد، و آن اینکه هر یک از طرفین می‌تواند مبتنی بر این اعتقاد که طرف دیگر اقدام به نقض تعهداتش کرده است، به این سازوکار متوسل شود؛ اینکه بدون هیچ‌گونه دلیلی و صرفاً براساس یک باور، بتوان دست به چنین اقدامی زد، قابل انتقاد به نظر می‌رسد و می‌تواند محل سوءاستفاده باشد (محبی و نذاری، ۱۳۹۶: ۲۸۶). البته در مورد مطلب اخیر، شایان ذکر است که به نظر می‌رسد چنین ضعفی تنها در خصوص دعوای ایران علیه طرف مقابل وجود دارد، و در ارتباط با طرف دعوای طرف مقابل این گونه نیست؛ چراکه در خصوص ادعای طرف مقابل علیه ایران، صلاحیت اولیه با اژانس است و تا زمانی که این نهاد وجود قصور یا عدم‌پایبندی ایران در برنامه هسته‌ای‌اش را تأیید نکند، طرف مقابل نمی‌تواند بر پایه باور خود، ادعایی علیه ایران مطرح کند.

چنانچه اختلاف میان طرفین از مجرای سازوکارهای مذکور به نتیجه نرسد، امکان ورود شورای امنیت به قضیه وجود دارد؛ آن هم در صورتی که موضوع کماکان به‌نحو مورد رضایت

شاکی حل و فصل نشده باشد و شاکی بر این باور باشد که موضوع، مصداق «عدم پایبندی اساسی» است. شاکی می‌تواند موضوع را به‌عنوان مبنای توقف کلی یا جزئی اجرای تعهداتش طبق برجام قلمداد کند یا از شورای امنیت بخواهد که اقدام به رسیدگی کند (JCPOA, 2015: para.36). در واقع، این قسمت از برجام، امکان خاتمه بخشیدن به اجرای تعهدات، بدون ارجاع موضوع به شورای امنیت، را برای عضو شاکی پیش‌بینی کرده است. طبق برجام و نیز قطعنامه ۲۲۳۱، بازگشت تحریم به‌صورت جزئی یا کلی (صرفاً تحریم‌های شورای امنیت)، زمینه‌ای برای توقف کلی یا جزئی تعهدات ایران طبق برجام محسوب می‌شود (JCPOA, 2015: para.37). بند ۳۷ برجام به‌طور خاص، نحوه رسیدگی به ادعای عدم پایبندی عضو در شورای امنیت را مشخص می‌کند. شاکی زمانی که شورای امنیت را در جریان عدم پایبندی اساسی عضو قرار می‌دهد، می‌بایست این شورا را نسبت به تلاش‌های مبتنی بر حسن نیت برای حل و فصل موضوع، مطلع سازد. مطلب اخیر، نشان می‌دهد که برجام به طرفین اجازه نمی‌دهد که از همان ابتدا، و به‌نحو دلیخواهانه و خودسرانه، به شورای امنیت شکایت کنند. تلاش کافی و اولیه برای حل و فصل موضوع از طریق کمیسیون، پیش از ارجاع وضعیت به شورای امنیت، یک ضرورت دانسته شده است. در ادامه مسیر رسیدگی به شکایت، شورا در پاسخ، اقدام به رأی‌گیری در خصوص قطعنامه‌ای برای تداوم لغو تحریم‌ها می‌کند که چنانچه نتواند ظرف مدت زمان ۳۰ روز از تاریخ ابلاغ موضوع به شورا، چنین قطعنامه‌ای را تصویب کند، آنگاه تمامی قطعنامه‌های قبلی شورا که به موجب برجام لغو شده است، دوباره اعمال خواهند شد، مگر اینکه شورا به‌نحو دیگری تصمیم‌گیری کند (JCPOA, 2015: para.37). روند مذکور، در بندهای ۱۱ و ۱۲ قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت مورد اشاره قرار گرفته است. به‌صورت خلاصه، این دو بند هم توضیح می‌دهند که شورای امنیت ظرف ۳۰ روز پس از دریافت ابلاغیه کشور شاکی مبنی بر عدم پایبندی اساسی طرف مقابل، باید ادامه لغو تحریم‌های ایران را به رأی بگذارد (S/RES/2231, 2015, paras.11-12). این مقرر می‌تواند بستر را برای سوءاستفاده هر یک از کشورهای اروپایی عضو برجام (که عضو دائم شورای امنیت هم هستند) جهت بازگرداندن تحریم‌های ملغی شده فراهم سازد. در واقع، هر یک از این اعضا می‌توانند به‌سادگی و با وتو قطعنامه شورا، مانع از تصمیم‌گیری در زمینه ادامه لغو تحریم‌ها شوند و در نهایت موجب شوند که تحریم‌های پیشین دوباره برقرار شوند. البته چنانچه قطعنامه، در چارچوب فصل ۶ منشور باشد، براساس بند ۳ ماده ۲۷ منشور، در خصوص تصمیماتی که به موجب مندرجات فصل ۶ منشور اتخاذ می‌شود، طرف دعوا از دادن رأی خودداری خواهد کرد. نکته شایان ذکر در خصوص بازگشت تحریم‌ها، اینکه طبق برجام و نیز قطعنامه ۲۲۳۱، بازگشت تحریم‌ها، بر قراردادهایی که بین هر طرف و ایران یا افراد و نهادهای ایرانی قبل از تاریخ اعمال مجدد قطعنامه‌های تحریمی پیشین منعقد شده است، تأثیری ندارد و آن قراردادهای همچنان معتبر خواهد بود (به‌شرطی که قراردادهای مطابق با برجام و

قطعنامه بوده باشد) (S/RES/2231, 2015, para.15 / JCPOA, 2015: para.37). با پیش‌بینی مقررۀ اخیر، خواسته‌اند که تا حدودی آثار اقتصادی ناشی از بازگشت تحریم‌ها خنثی شود. نکته آخر در مورد رسیدگی در شورای امنیت، اینکه قطعنامه شورا در خصوص بازگشت تحریم‌ها، به احتمال زیاد از این منظر که تصمیم به بازگشت تحریم‌های فصل ۷ منشور گرفته می‌شود، تحت مقررات همین فصل صادر شود و از این منظر که شورا صرفاً به اختلافی رسیدگی می‌کند که میان طرفین و صرفاً براساس باور یکی از آنها به نقض تعهدات مطرح شده است، تحت شمول فصل ۶ خواهد بود (محبی و بذآر، ۱۳۹۶: ۲۸۶).

نخستین بار است که در حقوق بین‌الملل شاهد تأسیس چنین سازوکار پیچیده، چندلایه و با مراحل رسیدگی متعددی؛ سازوکاری که لایه اول آن، کمیسیون مشترک، و لایه آخر آن، شورای امنیت است. به اعتقاد برخی، نظر به اینکه این سازوکار در نهایت به شورای امنیت و تحمیل مجدد قطعنامه تحریمی پیشین ختم می‌شود، باید گفت که سازوکاری قدرت‌محور است که البته تلاش شده است که قدرت شورا با سازوکارهای حقوقی قبل از آن محدود شود (محمودی و تقی‌زاده انصاری، ۱۳۹۵: ۱۹۶؛ ملاکریمی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۰۱۳). در نقد مطلب اخیر، باید گفت که این سازوکار، اتفاقاً رضایت‌محور، و نه قدرت‌محور است. برخی از همان ابتدا، به پیش‌بینی چنین سازوکاری خوش‌بین نبودند. برای مثال، «کمیسیون ویژه بررسی برجام، نتایج و پیامدهای آن»، پس از انعقاد برجام، در گزارشی بیان داشت که این سازوکار به‌عمد بر ضد ایران تنظیم شده است. در هر مورد که ایران به این سازوکار متوسل شود، برنده نخواهد بود، بنابراین عملاً نمی‌تواند به هیچ نقض کلی یا جزئی از سوی گروه ۵+۱ به نحوی واکنش نشان بدهد که به بر هم خوردن توافق منجر نشود. این کمیسیون همچنین بر این باور بود که اصطلاح «عدم‌پایبندی اساسی»، مندرج در بند ۳۶، به‌طور شفاف تعریف نشده است که این امر، خود زمینه‌ساز تفسیرهای نادرست، بهانه‌جویی و ایجاد خسارات جبران‌ناپذیری برای ایران خواهد بود.<sup>۱</sup> برعکس، عده‌ای معتقدند که یکی از ویژگی‌های این سازوکار این است که ایران تقریباً در تمامی مراحل رسیدگی به‌جز در شورای امنیت مشارکت خواهد داشت و در زمانی که یکی از طرفین مدعی عدم‌پایبندی ایران باشد، علاوه‌بر مدعی و سایر طرف‌ها، ایران نیز در فرایند تصمیم‌گیری مشارکت خواهد داشت (محبی و بذآر، ۱۳۹۶: ۲۸۲). در کل باید گفت که سازوکار حل و فصل اختلافات برجام به‌نحوی است که به موجب آن، اساساً در هیچ شرایطی مناسبات میان طرفین به اختلاف حقوقی منتهی نمی‌شود و به‌تبع آن به یک مرجع قضایی نیز ارجاع نمی‌شود.<sup>۲</sup>

۱. «متن کامل گزارش کمیسیون ویژه بررسی برجام در مجلس»، تاریخ انتشار: ۱۳۹۴/۷/۱۲، تاریخ مشاهده:

<https://www.farsnews.com.۱۳۹۷/۶/۲۸>

۲. گفت‌وگو با دکتر محمدجعفر قنبری جهرمی، «ارزیابی توافقی هسته‌ای با معیارهای حقوق بین‌الملل»، روزنامه

## ۲. وضعیت پایبندی طرفین به تعهدات

در خصوص وضعیت پایبندی طرفین به برجام، شایان ذکر است که تاکنون هیچ مورد عدم پایبندی ایران به این سند مطرح نشده است. در این خصوص می‌توان به ۱۱ گزارش مدیرکل آژانس در مورد اجرای برجام توسط ایران اشاره کرد که در تمامی آنها، به پایبندی ایران به برجام تصریح شده است. برای مثال در گزارش ۲۴ می ۲۰۱۸ آژانس که برای اولین بار پس از خروج آمریکا از برجام منتشر شد، از جمله آمده است که: «ایران ساخت رآکتور تحقیقاتی آب سنگین اراک موجود را طبق طراحی اولیه آن پیگیری نکرده است؛ ایران فعالیت‌های مربوط به بازسازی رآکتور تحقیقاتی تهران یا دیگر تأسیسات، انجام نداده است؛ ایران غنی‌سازی بالاتر از ۶۷/۳ درصد از اورانیوم ۲۳۵ را انجام نداده است؛ تحقیق و توسعه غنی‌سازی ایران، در چارچوب برجام بوده است و - ایران اجرای موقت پروتکل الحاقی را تا زمان لازم‌الاجرا شدن آن ادامه می‌دهد» (IAEA, GOV/2018/7, 2018: paras. 6, 8, 10, ) (13, 18, 23) علاوه بر آژانس، کشورهای اروپایی عضو برجام هم همواره پایبندی ایران به برجام را تأیید کرده‌اند. آمریکا هم تا قبل از خروج از برجام، به جز در یک مورد (در تاریخ ۱۳ اکتبر ۲۰۱۷، آمریکا برای نخستین بار، پایبندی ایران به برجام را تأیید نکرد)، پایبندی ایران به برجام را تأیید کرده بود تا اینکه سرانجام این کشور در تاریخ ۸ می ۲۰۱۸، برخلاف گزارش‌های آژانس، با این ادعا که ایران به برجام پایبند نبوده است، به طور یکجانبه از این سند کناره‌گیری کرد. آمریکا اعلام داشت که ایران همچنان در پی دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای است. برجام به پیشبرد فعالیت‌های هسته‌ای ایران کمک کرد و در عین حال از فعالیت‌های ایران در منطقه نیز جلوگیری نکرد و اینکه این توافق نمی‌تواند مانع دستیابی ایران به خطرناک‌ترین سلاح‌ها شود.<sup>۱</sup> در خصوص پایبندی طرف مقابل به برجام هم باید گفت که پیش از خروج آمریکا از برجام، در مواردی شاهد نقض برجام توسط این کشور بودیم. برای مثال، در زمان ریاست جمهوری اوباما، ایران اقداماتی مانند تمدید «قانون تحریم‌های ضد ایرانی (آیسا)» و مصوبه مجلس نمایندگان در ۸ دسامبر ۲۰۱۵ در خصوص اعمال محدودیت‌هایی جدید برای ورود به آمریکا توسط شهروندان کشورهای ثالثی که به ایران رفت‌وآمد دارند، را در تناقض با برجام دانست (دلخوش، ۱۳۹۶: ۵۴-۵۳). ضمیمه نخستین گزارش دبیر کل سازمان ملل در خصوص اجرای قطعنامه ۲۲۳۱، به‌طور واضح به موارد اجرای ناقص و / یا عدم اجرای تعهدات برجام توسط آمریکا اشاره دارد؛ از جمله توقیف حدود ۱,۸ میلیارد دلار از دارایی‌های بانک مرکزی، به موجب حکم دادگاه، تنها کمتر از ۴ ماه پس از اجرای برجام؛ ادامه وضع تحریم‌های جدید در

ایران، ش ۶۰۰۰، ۲۲ مرداد ۱۳۹۴، تاریخ مشاهده: <http://www.iran-newspaper.com>، ۱۳۹۷/۱/۶

1. President Donald J. Trump is Ending ..., Issued on: May 8, 2018, last visited: 28 May 2018, Available at: <https://www.whitehouse.gov>



سطح برخی از ایالت‌های آمریکا و ارسال پیام‌های تهدیدآمیز برای بانک‌ها و شرکت‌های خارجی نسبت به سرمایه‌گذاری در بخش انرژی ایران؛ ایجاد مانع در مسیر بهره‌مندی ایران از دارایی‌های خود در بانک‌های خارجی و انجام معاملات مالی و بانکی، ممانعت از دسترسی هواپیماهای مسافربری ایران به سوخت، در برخی فرودگاه‌های اروپا و ایجاد محدودیت تبعیض آمیز نسبت به فروش برخی وسایل با کاربردهای دوگانه توسط اروپا به ایران (S/2016/589, Annex I, Section. B, 2016: paras.1-9). در سال دوم اجرای برجام نیز وزارت امور خارجه کشورمان فهرستی از موارد تخلف و تخطی آمریکا از برجام تهیه کرده بود که برخی از آنها عبارت بودند از: «تعطل عمدی دولت آمریکا در رفع مؤثر تحریم‌های هسته‌ای؛ تلاش برای جلوگیری از عادی‌سازی تجارت سایر کشورها با ایران و بهره‌مند شدن ایران از منافع اقتصادی برجام؛ تأخیر غیرموجه از سوی وزارت خزانه‌داری آمریکا در صدور مجوزهای لازم برای فروش یا اجاره هواپیمای مسافربری به ایران و تشدید و افزایش مقررات دست‌وپاگیر وزارت خزانه‌داری آمریکا جهت شرکت‌های غیرآمریکایی برای همکاری با ایران در تعارض با بند ۲۹ برجام» («هفتمین گزارش سه ماهه وزارت امور خارجه به کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی در خصوص اجرای برجام»، ۱۳۹۶/۷/۲۶: ۵-۳). با تغییر دولت در آمریکا و روی کار آمدن دونالد ترامپ، کارشکنی‌ها و اقدامات زیادی برای از بین بردن برجام آغاز شد، تا اینکه در نهایت این کشور از این سند کناره‌گیری کرد و عملاً بازگشت تحریم‌هایی را که به موجب برجام لغو شده بود، طی یک مدت ۹۰ و ۱۸۰ روز مصوب کرد؛ امری که واکنش بسیاری از کشورها به‌ویژه چین و روسیه و نیز اتحادیه اروپا را در پی داشت. برای مثال در مهم‌ترین موارد، روسیه اعلام کرد که «برجام مهم‌ترین توافق چندجانبه است که توسط قطعنامه شورای امنیت تصویب شده است. این سازمان تنها به ایالات متحده تعلق ندارد، بلکه مالکیت آن متعلق به کل جامعه بین‌المللی است. ایران به‌شدت به تعهداتش پایبند بوده است و هیچ دلیلی برای تضعیف یا خروج از این توافق هسته‌ای وجود ندارد»<sup>۱</sup>. سران کشورهای انگلیس، آلمان و فرانسه نیز با صدور بیانیه‌ای بیان داشتند که برجام براساس قطعنامه شورای امنیت الزام‌آور است و همه طرف‌ها باید به اجرای کامل آن متعهد باشند و مسئولانه عمل کنند. سه کشور اروپایی متعهد خواهند بود که این توافق پایدار بماند و با همکاری سایر طرف‌ها، این وضع از جمله تدویم بهره‌مندی اقتصادی مردم ایران در چارچوب برجام ادامه پیدا کند. در این بیانیه از ایران خواسته شده است در مقابل تصمیم آمریکا خویشتن‌داری، و با اژانس بین‌المللی انرژی اتمی همکاری کند.<sup>۲</sup> کشورهای اروپایی عضو برجام نیز در مواردی چون نقل و انتقالات

1. Foreign Ministry statement on developments ..., Issued on: May 8, 2018, last visited: 28 May 2018, Available at: <http://www.mid.ru>

2. Joint statement from Prime Minister May, ..., Issued on: May 8, 2018, last visited: 20 May 2018, Available at: <https://www.gov.uk>

بانکی و مالی، به تعهدات خود طبق برجام عمل نکرده‌اند. در پایان شایان ذکر است که پیش از خروج آمریکا از برجام، ایران در چندین مورد با توسل به سازوکار حل‌وفصل اختلافات برجام، خواستار رسیدگی به موارد عدم پایبندی آمریکا در کمیسیون مشترک شده بود که البته در نهایت نیز، رسیدگی کمیسیون به درخواست طرفین از آمریکا برای پایبندی به تعهداتش ختم شد. برای مثال در جریان سومین نشست کمیسیون، ایران درباره عدم اجرای برخی تعهدات به‌ویژه از سوی آمریکا در برداشتن تحریم‌ها انتقادهای جدی مطرح کرد. مشکلات و موانع بانکی و عدم پایبندی کامل طرف مقابل به تعهداتشان در زمینه برداشتن محدودیت‌های موجود در این زمینه، از موضوعات مهم چهارمین نشست کمیسیون بود. موضوعات مربوط به نقض برجام در بخش تحریم‌ها علیه ایران و موانع موجود بر سر راه تعاملات بانکی و مالی، بخشی از مسائلی بودند که در نشست ششم کمیسیون مورد بحث قرار گرفت.<sup>۱</sup> در هشتمین نشست کمیسیون در تیرماه ۱۳۹۶، هیأت ایرانی یک‌بار دیگر در ارتباط با رفع تحریم‌ها، به تفصیل و به شکل مستند به موضوع بدعهدی‌ها، کارشکنی‌ها و تعلل‌های ایالات متحده آمریکا در اجرای تعهدات خود در برجام پرداخت که البته با واکنش آمریکا مواجه شدند. طرف‌های حاضر در نشست، وضعیت رفع تحریم‌ها را بررسی و بر حسن نیت در اجرای کامل برجام تأکید کردند (Chair's statement following the 21 July 2017 meeting ... , 2017, 1). همچنین در یازدهمین نشست کمیسیون مشترک در اسفندماه ۱۳۹۶، موضوع پایبندی آمریکا به تعهدش در زمینه قراردادهای خرید و فروش هواپیما که از سوی این کشور متزلزل شده است، مورد بحث قرار گرفت (2: 2018, ... , Chair's statement following the 16 March 2018 meeting). پس از خروج آمریکا از برجام، درحالی‌که ایران می‌توانست مبتنی بر بند ۳۷ برجام، در برابر بازگشت تحریم‌های ثانویه توسط این کشور، اقدام به توقف کلی یا جزئی تعهداتش طبق برجام کند، اما اعلام کرد که به تعهداتش پایبند است. کشورهای اروپایی نیز اعلام کردند که در صورت پایبندی طرفین به تعهداتشان، به تعهداتشان عمل می‌کنند. در این زمینه، وزارت امور خارجه دور جدیدی از مذاکرات با کشورهای اروپایی عضو برجام را به‌منظور اخذ تضمین‌های لازم جهت رعایت کامل این سند از سوی این کشورها را آغاز کرد و همزمان برگزاری دوازدهمین نشست کمیسیون مشترک در تاریخ ۴ خرداد ۱۳۹۷ (۲۵ مه ۲۰۱۸) به‌منظور بررسی پیامدهای خروج آمریکا از برجام و بحث درباره راه پیش رو به منظور حصول اطمینان از اجرای این توافق در همه ابعاد آن را درخواست کرد. در این نشست که در سطح معاونان سیاسی/معاونان وزرای خارجه کشورهای عضو تشکیل شد، اعضا تعهد خود در زمینه اجرای مستمر و کامل و مؤثر برجام با حسن نیت را یادآوری و تأکید کردند که رفع تحریم‌های مرتبط با مسئله هسته‌ای

۱. «نگاهی به ۶ نشست کمیسیون مشترک برجام»، تاریخ انتشار: ۱۳۹۶/۲/۴، تاریخ مشاهده: ۱۳۹۷/۱/۴، <https://www.mashregnews.ir>

ایران که امکان عادی سازی روابط اقتصادی و تجاری را به ایران می دهد، بخشی اساسی از برجام است (Chair's statement following the 25 May 2018 meeting ..., 2018: 2). در ادامه، نخستین نشست کمیسیون مشترک پس از خروج آمریکا در سطح وزرای خارجه کشورهای عضو به همراه نماینده عالی اتحادیه اروپا در امور خارجه و سیاست امنیتی در تاریخ ۱۵ تیر ۱۳۹۷ (۶ جولای ۲۰۱۸) برگزار شد که در بیانیه پایانی آن، تقریباً به همان مطالب مذکور اشاره شد. اعضا ضمن اشاره به لزوم رفع تحریم ها در ازای اجرای تعهدات هسته ای از سوی ایران، به تعهدات خود در خصوص مواردی چون حفظ و ارتقای روابط گسترده تر اقتصادی در حوزه های مختلف با ایران؛ - حفظ و استمرار کانال های مؤثر مالی برای تعامل با ایران؛ تداوم صادرات نفت و میعانات گازی، محصولات نفتی و پتروشیمی؛ تشویق سرمایه گذاری های بیشتر در ایران و حمایت از شرکت ها در برابر آثار فراسرزمینی تحریم های آمریکا تأکید کردند (Statement from the Joint Commission of the Joint Comprehensive Plan of Action, 2018: paras 6-8). آنچه از مطالب مذکور بر می آید، این است که در آن زمان، طرف مقابل از عزم جدی خود برای تعهدات خود و نیز جبران حداکثری خسارات ناشی از خروج آمریکا و بازگشت تحریم سخن گفت. علی رغم این موضوع، تا به امروز، در عمل نه تنها این کشورها نتوانسته اند آثار و تبعات ناشی از خروج آمریکا را جبران کنند، حتی از اجرای کامل تعهدات خود نیز عاجز مانده اند. خروج بسیاری از شرکت های بزرگ دنیا و کاهش خرید نفت ایران در نتیجه تحریم ها، از جمله مهم ترین اتفاقاتی است که بعد از خروج آمریکا رخ داده است و تاکنون نیز، کشورهای اروپایی نسبت به جلوگیری از چنین اتفاقاتی ناکام مانده اند. همه این اتفاقات موجب شده است که مقامات ایران بارها نسبت به عدم پایبندی ناقص کشورهای اروپایی به برجام و عدم اقدام عملی آنها، به طور صریح اعتراض و انتقاد کنند. آنچه مشخص است، این نکته است که بخش عمده ای از این نحوه عملکرد را می توان ناشی از ضعف بسیار سازوکار حل و فصل اختلافات برجام دانست؛ سازوکاری که هرگز نتوانست پایبندی طرف مقابل به اجرای تعهداتش را تضمین کند.

### ارتباط میان سازوکار حل و فصل اختلافات برجام با آیین عدم پایبندی

نظر به مطالب پیشین در خصوص وجوه مشابهت میان سازوکار برجام با آیین عدم پایبندی، در این قسمت ارتباط میان این دو بررسی می شود.

#### ۱. مفهوم آیین عدم پایبندی و مقایسه آن با سازوکارهای سنتی حل و فصل اختلافات

آیین عدم پایبندی نخستین بار در اوایل دهه نود میلادی، در موافقت نامه های زیست محیطی

چندجانبه همچون «پروتکل مونترال راجع به مواد کاهنده لایه ازن» و «کنوانسیون بازل راجع به کنترل انتقالات فرامرزی مواد زائد خطرناک و دفع آنها» پیش‌بینی شد و به تدریج دامنه آن گسترده‌تر شد و توانست جایگاه مهم و تأثیرگذاری در حقوق بین‌الملل برای خود دست و پا کند. از دیدگاه «برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد» (یونپ)، پایبندی به معنای اجرای موافقت‌نامه‌های زیست‌محیطی چندجانبه و اصلاحیه‌های آن است (Manual on Compliance with and Enforcement of Multilateral Environmental Agreements, 2006: 6). زمانی که رفتار یک دولت منطبق بر رفتار صحیح تجویز شده باشد، می‌گوییم که پایبندی صورت گرفته است (Simmons, 1998: 77). این مفهوم با تمرکز بر این مسئله که آیا یک دولت در عمل و نه صرفاً بر روی کاغذ، اقدامات لازم برای اجرای معاهده را انجام می‌دهد یا خیر، رفتار بازیگران هدف در یک موافقت‌نامه را می‌سنجد. هدف واقعی پایبندی، تغییر رفتار دولت‌ها به منظور اجرای کامل مفاد و روح معاهدات است (Bafundo, 2006: 471-472). بنابراین در کل باید گفت که مفهوم پایبندی به حالت انطباق یا همانندی میان رفتار بازیگر و قاعده مشخص اشاره دارد و در جایی که رفتار دولت در انطباق با رفتار تجویز شده نباشد، عدم پایبندی رخ می‌دهد. عدم پایبندی، وضعیتی را شامل می‌شود که در آن تخطی دولت از قاعده، به دلیل این است که دولت اساساً، قادر به اجرای قاعده نیست، یا اینکه یک سری مشکلات همچون قصور در وضع و انجام برنامه‌های اقدام در سطح ملی، توان اجرا را از دول سلب کرده‌اند (Bigi, 2009: 133). در خصوص مفهوم آیین عدم پایبندی، باید گفت که هدف از پیش‌بینی آن، احراز عدم پایبندی به تعهدات و شناسایی مشکلات اعضا در زمینه پایبندی به منظور رفع آنها، تسهیل پایبندی و حل و فصل دوستانه مسئله است. این آیین دربرگیرنده ترتیباتی است که با اتکال بر آنها تلاش می‌شود با اتخاذ تدابیر منعطف‌تر در مقایسه با شیوه‌های سنتی حل و فصل اختلافات، بدون توسل سریع به اعمال تحریم‌ها و پرداخت غرامت، با عدم پایبندی عضو مقابله شود و پایبندی به مفاد معاهده تضمین و ارتقا یابد (میرعباسی و میرعباسی، ۱۳۹۰: ۱۱۰-۱۰۹). این آیین، غیرتقابلی، غیرقضایی، شفاف، پیشگیرانه، انعطاف‌پذیر، مشورتی و غیرالزام‌آور است و به اعضا برای اجرای تعهداتشان کمک می‌کند (Doc. UNEP/CHW.6/40, 2003, Decision VI/12, paras. 1-2). پیشگیرانه بودن، ویژگی بسیار مهم این آیین است؛ بدین معنا که در چارچوب آن تلاش می‌شود که با کمک به اعضا برای ارتقای پایبندی قضیه به‌نحو دوستانه فیصله یابد و از بروز اختلاف جلوگیری شود. حتی فراتر از آن، در موارد زیادی به عدم پایبندی بالقوه رسیدگی می‌شود. در واقع تلاش می‌شود که با کمک به عضو معاهده برای انجام اقدامات اصلاحی و جبرانی، زمینه برای ایجاد عدم پایبندی به شکل بالفعل از بین رود. هدف کلی این آیین، ایجاد سیستمی برای تضمین اجرای تعهدات پذیرفته‌شده و پیاده‌سازی آسان‌تر موافقت‌نامه‌ها در یک فضای چندجانبه و نیز اعتمادسازی از مجرای گفت‌وگوی غیرتقابلی به جای قضاوت و داوری

است، (Romano, 2000: 73) و اینکه با بکارگیری طیف متنوعی از سازوکارهای اجرای تعهدات توسط دولت‌ها، پایبندی تسهیل شود (Brunnée, 2006: 14-15) که این کار از یک سو با تشویق مثبت هرچه بیشتر اعضا در انطباق با الزامات معاهده، و از سوی دیگر از طریق مقابله با عضو ناپایبند حتی الامکان با اقدامات به اصطلاح نرم مانند مساعدت مالی و فنی امکان‌پذیر است. هدف از این آیین، تشویق عضو ناپایبند به پایبندی بدون متهم‌ساختن آن عضو به ارتکاب عمل متخلفانه یا مسئول دانستن در برابر نتایج عمل متخلفانه است. استفاده روزافزون از آیین‌ها در معاهدات بین‌المللی محیط زیستی و نیز معاهدات حقوق بشری و خلع سلاح، حکایت از این دارد که قواعد سنتی حقوق بین‌الملل در خصوص نقض تعهدات و مسئولیت دولت، نمی‌توانند همچون گذشته، مناسب باشند و تا حدودی جامعه بین‌المللی را اقناع کرده است که نمی‌توان با اتکا بر این قواعد به طور کامل بر مشکلات پایبندی به تعهدات چنین معاهداتی، فائق آمد. این موضوع، از یک سو، نتیجه ماهیت غیرتقابلی تعهدات معاهدات مذکور است و از سوی دیگر، به دلیل محدودیت‌هایی است که قواعد مسئولیت دولت‌ها در زمینه مقابله با عدم پایبندی، به طور ذاتی با آنها روبه‌روست (Fitzmaurice & Redgwell, 2000: 35).

به طور کلی سه شیوه برای توسل به این آیین وجود دارد: ۱. شکایت یک عضو علیه عضو دیگر؛ ۲. «خودارجاعی»<sup>۱</sup> و ۳. دبیرخانه. طریقه نخست، معمول‌ترین و اصلی‌ترین شیوه طرح شکایت و ادعای عدم پایبندی است. یکی از نتایج منطقی اصل وفای به عهد این است، که متعاهدین حق داشته باشند که اجرای معاهده را از یکدیگر طلب کنند و در صورت عدم پایبندی، بتوانند علیه عضو یا اعضا ناپایبند شکایت کنند. در خصوص خودارجاعی، باید گفت که در حقوق بین‌الملل بسیار به ندرت یافت می‌شود که در حالتی، یک عضو معاهده بتواند عدم پایبندی خود را به نهاد رسیدگی کننده گزارش دهد. هر عضو معاهده این حق را دارند که اگر در مواردی به این نتیجه رسیدند که به دلایلی نمی‌توانند به تعهدات خود عمل کنند، می‌توانند خواستار رسیدگی به موضوع توسط نهادهای مجری آیین عدم پایبندی شوند (UN Doc. FCCC/CP/2001/13/Add.3, 2002, Decision 24/CP.7, VI.1 (a)). ممکن است پرسیده شود که منطق چنین شیوه‌ای چیست؟ گفته شد که این آیین، اتهامی نیست و در وهله اولیه به دنبال این نیست با متخلفانه دانستن عدم پایبندی یک دولت، آن را به شیوه معمول مجازات کند، بلکه هدفش، حل و فصل دوستانه قضیه مبتنی بر یک شیوه مشورتی و غیرقضایی است؛ اینکه موانع و محدودیت‌های موجود در مسیر پایبندی برداشته شود و عملاً پایبندی تسهیل شود. در واقع، براساس همین منطق است که دولت‌ها می‌توانند به شیوه خودارجاعی متوسل شوند (Jacur, 2009: 374). بی تردید وجود توانایی مالی و فنی و داشتن ظرفیت‌های ملی لازم، یکی از اصلی‌ترین لوازم پایبندی به تعهدات است. بر آن اساس، اگر کشوری در این

1. Self-trigger

زمینه با فقدان یا نقص روبه‌رو شود و وضعیت به‌نحوی پیش رود که توانایی اجرای تعهداتش را نداشته باشد، می‌تواند عدم‌پایبندی (بالقوه یا بالفعل) خود را گزارش کند. علاوه‌بر دو شیوه مذکور، دبیرخانه معاهدات نیز می‌تواند عدم‌پایبندی اعضا را گزارش کنند. در خصوص نهادهای رسیدگی‌کننده و مجری آیین عدم‌پایبندی هم شاهد وجود یک الگوی عمومی در معاهدات هستیم؛ بدین‌نحو که اغلب دو رکن غیرقضایی تحت عنوان «نهاد پایبندی»<sup>۱</sup> و «کنفرانس / اجلاس اعضا»<sup>۲</sup> به ادعای عدم‌پایبندی رسیدگی می‌کنند. نهاد پایبندی پس از دریافت لوایح شکایت، رسیدگی را با هدف حل‌وفصل دوستانه موضوع آغاز می‌کند و در پایان رسیدگی، گزارشی که از جمله شامل توصیه‌های لازم و مقتضی در خصوص عدم‌پایبندی عضو است، به کنفرانس یا اجلاس اعضا ارائه می‌دهد (Doc, UNEP/OzL.Pro.10/9,1998: paras.8-9). در مواردی حتی این نهاد می‌تواند مستقیماً، پس از هماهنگی با عضوی که وضعیتش در دست بررسی است، در مورد انجام اقداماتی چون تأسیس و / یا تقویت رژیم‌های نظارتی‌اش در سطوح ملی و منطقه‌ای، تسهیل مساعدت مالی و فنی و تدوین و تشریح برنامه‌های اقدام برای دولت‌ها در زمینه پایبندی، توصیه و مشاوره ارائه دهد (UNEP/CHW.6/40, 2003, Decision VI/12, para.19). کاملاً مشخص است که تدابیر مذکور نرم هستند و از ماهیت تسهیل‌کننده برخوردارند. مسئولیت نهایی برای اتخاذ تصمیم در زمینه پاسخ به عدم‌پایبندی، بر عهده کنفرانس یا اجلاس اعضاست. تصمیم به مساعدت مقتضی در زمینه‌های جمع‌آوری و گزارش اطلاعات، فنی و مالی، انتقال فناوری و اطلاعات و آموزش؛ صدور هشدار در زمینه عدم‌پایبندی؛ و تعلیق حقوق و مزایای عضویت و تحریم، مهم‌ترین اقداماتی هستند که این رکن در برابر عضو ناپایبند اتخاذ می‌کند (UNEP/Ozl. Pro.4/15, 2 1992, Annex V: 55).

با توجه به آنچه در خصوص ماهیت و جوانب ساختاری و نهادی این آیین گفته شد، در مقایسه با سازوکارهای حقوقی و سیاسی مرسوم در حقوق بین‌الملل، استفاده از این آیین نیازمند رضایت دولت مربوطه و وجود یک دولت آسیب‌دیده به‌منظور راه‌اندازی آن نیست. همچنین از لحاظ هزینه و زمان رسیدگی، باصرفه‌تر و از لحاظ نوع واکنش به عدم‌پایبندی، در ترغیب دولت‌ها به پایبندی بیشتر به تعهداتشان موفق‌تر خواهد بود (Fitzmaurice & Redgwell, 2000: 52-59). آیین عدم‌پایبندی که به‌مثابه محکمه‌ای خارج از چارچوب قضایی سنتی در حقوق بین‌الملل عمل می‌کند، برخلاف شیوه‌های کلاسیک حل‌وفصل اختلافات که صرفاً اقدامات سخت و مجازات را برای عمل متخلفانه و نقض تعهدات در نظر می‌گیرند، یک رویکرد منعطف‌تری به عدم‌پایبندی به معاهدات ارائه می‌دهد (Fitzmaurice, 2004: 25). شایان ذکر است که در واقع این آیین، بیشتر یک فرایند سیاسی برای رسیدگی به مشکلات مربوط به

1. Compliance Body  
2. Conference of Parties (COP) / Meeting of Parties (MOP)

پایبندی به تعهداتی است که در مقابل همه اعضا و نه دوجانبه‌اند. در حالی که آیین حل و فصل اختلافات ذاتاً از ماهیت دوجانبه برخوردار است (Kuokkanen, 2006: 41). وظیفه سازوکارهای حل و فصل اختلافات، تعیین این مسئله است که آیا یک عضو تعهد خود در برابر عضو دیگر را نقض کرده است یا خیر. بر این اساس، رأی محدود به اعلام این مطلب است. در حالی که آیین عدم پایبندی ابزاری برای تصمیم‌گیری در خصوص انجام اقدامات اصلاحی بسیار مهم است. بهترین مؤید تفاوت میان این سازوکارها و آیین مزبور، موافقت‌نامه‌های زیست‌محیطی چندجانبه هستند. اینها در کنار آیین عدم پایبندی، سازوکارهای سنتی را نیز پیش‌بینی کرده‌اند که این بیانگر اعتقاد این اسناد به تمایز میان این دو است. البته این موافقت‌نامه‌ها امکان به‌کارگیری همزمان هر دو را پیش‌بینی کرده‌اند.

## ۲. آیین عدم پایبندی در چارچوب آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ان پی تی، موافقت‌نامه‌های پادمانی و پروتکل الحاقی، اصلی‌ترین اسنادی هستند که مبنای کار نظارت و کنترل پایبندی در چارچوب این سازمان بین‌المللی محسوب می‌شوند. برای شناخت آیین عدم پایبندی در چارچوب آژانس، می‌بایست به‌طور خاص به سراغ ماده ۱۲ اساسنامه این سازمان رفت. طبق قسمت سوم این ماده، در صورت مشاهده عدم پایبندی دولت عضو، بازرسان گزارشی حاوی موارد عدم پایبندی تهیه کرده و در اختیار مدیرکل آژانس قرار می‌دهند که وی نیز باید در اولین فرصت، شورای حکام را در جریان گزارش قرار می‌دهد. شورای حکام نیز باید وضعیت عدم پایبندی عضو را به کنفرانس عمومی آژانس، شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل گزارش کند (Statute of IAEA, 1957: Art. XII, Section. c). پس از بررسی موضوع، شورای حکام از عضو می‌خواهد که در یک مدت زمان معقول و مشخص، اقدامات لازم را برای جبران و اصلاح عدم پایبندی انجام دهد. در صورتی که عضو در انجام این اقدامات قصور ورزد یا بدانها پایبند نباشد، شورا می‌تواند اقدام به: «قطع یا تعلیق مستقیم مساعدت به‌عمل‌آمده به دولت از سوی شورا یا دیگر اعضا و درخواست استرداد مواد و تجهیزات» که برای پیشبرد پروژه‌های آژانس در خصوص استفاده از انرژی هسته‌ای برای اهداف صلح‌جویانه، در اختیار یک عضو یا گروهی از اعضا گذاشته شده است و تعلیق استفاده از حقوق و مزایای عضویت، طبق ماده ۱۹» (Statute of IAEA, 1957: Art. XII, Section. A (7)) کند. برخی در خصوص این ماده بیان داشته‌اند که گزارش پرونده به کنفرانس عمومی و شورای امنیت، نباید آثار و تبعاتی برای عدم پایبندی دولت به بار داشته باشد، الزام به ارجاع پرونده را باید تنها یک مسئله شکلی دانست که باید صورت‌گرفت (غریب‌آبادی، ۱۳۸۷: ۱۳۶-۱۳۵). این مطلب نمی‌تواند صحیح باشد. اگرچه در جایی که همانند پرونده لیبی، دخالت شورای امنیت با هدف صرف اطلاعاتی صورت‌گرفت، در جایی که عدم پایبندی دولت به‌نحوی باشد که موضوع به

صلح و امنیت بین‌المللی ارتباط پیدا می‌کند، دخالت شورای امنیت الزامی است و باید منتظر ترتب آثار و نتایج حقوقی بر دولت ناپایبند بود. نکات دیگری در مورد ماده ۱۲ شایان ذکر است: نخست اینکه علی‌رغم اینکه مفاد این ماده محدود به پادمان‌های مقرر در ماده ۱۱ اساسنامه شده است، اما رویه آژانس نشان از تسری آن به دیگر پادمان‌های مقرر در آن پی تی هم دارد. بر این پایه، بازرسان که مسئولیت انجام و تأیید محاسباتی پروژه‌های همکاری هسته‌ای (ماده ۱۱) و دیگر فعالیت‌های تحت شمول پادمان هستند، چنانچه نتوانند پایبندی دولت را تأیید کنند، باید مدیرکل را نسبت به عدم پایبندی مطلع سازند تا در نهایت، شورای حکام تصمیم نهایی را اتخاذ کند (ساعد، ۱۳۸۷: ۸۵). نکته دوم اینکه آژانس در ارتباط با عدم انجام اقدامات اصلاحی و جبرانی از دو واژه «قصور» و «عدم پایبندی» استفاده کرده است. در مورد تفاوت میان این دو واژه، با توجه به رویه آژانس می‌توان گفت که جز در آن مواردی که عدم رعایت تعهدات منجر به حتمی شدن قصد یک دولت برای تولید سلاح اتمی شود یا اینکه شواهد نشان از این داشته باشد که دولت به تولید این سلاح نزدیک شده است، آژانس بر پایه قصور دولت، تلاش می‌کند که مانع ادامه این فعالیت‌ها گردد و چنانچه دولت همچنان اصرار به تخطی از مقررات داشته باشد، آنگاه عدم پایبندی محقق می‌شود (ساعد، ۱۳۸۷: ۸۴). علی‌رغم این موضوع، باید گفت که همچنان معنای عدم پایبندی در چارچوب آژانس مشخص نیست. سؤال اینجاست که واقعاً چه فعالیت‌هایی می‌تواند به عدم پایبندی دولت بینجامد؟ آیا هر گونه تخطی از تعهدات را باید عدم پایبندی دانست؟ در خصوص مصادیق عدم پایبندی، اختلاف نظر وجود دارد. دیدگاه کشورهای غربی این است عدم پایبندی شامل آن دسته از نقض‌های پادمانی می‌شود که اهمیت بالقوه با بالفعل برای عدم اشاعه دارند. در خصوص این دیدگاه شاید بتوان از مواردی چون انحراف مواد هسته‌ای از فعالیت‌های هسته‌ای اعلام‌شده یا قصور در اعلام مواد هسته‌ای در گزارش‌های ارائه‌شده طبق موافقت‌نامه پادمان‌ها یا تولید مواد هسته‌ای اعلام‌نشده، به‌عنوان مصادیق عدم پایبندی نام برد. اما اعتقاد دولت‌های در حال توسعه این است که عدم پایبندی اساساً با انحراف فعالیت‌های دولت‌ها به سمت مقاصد نظامی گره خورده است و در جایی که به‌طور واقعی و عینی، شاهد این باشیم که چنین مقاصد نظامی محقق شده است، آنگاه می‌توان به عدم پایبندی عضو پی برد و صرف قصور و نقض‌های پادمانی، عدم پایبندی نیست (سادات میدانی، ۱۳۹۵: ۲۲۶-۲۲۵). نگاهی به رویه آژانس در پرونده هسته‌ای ایران، کره شمالی و لیبی مشخص می‌کند که دیدگاه مذکور نمی‌تواند صحیح باشد. آژانس در هیچ‌یک از این پرونده‌ها از انحراف مواد و فعالیت‌های هسته‌ای به سمت مقاصد نظامی صحبت نکرده و تنها اشاره کرده است که این نهاد نمی‌تواند عدم انحراف را راستی‌آزمایی کند. همچنین اینکه آژانس بویژه در پرونده ایران بیان می‌کند که فعالیت‌های گزارش‌نشده این کشور در گذشته، نقض تعهدات پادمانی و در نتیجه عدم پایبندی این کشور را در پی داشته است. ظاهراً آژانس هر گونه قصور و تخطی از



تعهدات پادمانی به هر میزان را عدم پایبندی می‌داند. در مجموع برخی بر این باورند که قانونمند نبودن تعریف پایبندی و چگونگی احراز عدم پایبندی در چارچوب آیین عدم پایبندی آژانس، این فرصت را برای دول قدرتمند هسته‌ای فراهم می‌سازد تا مبتنی بر منافع ملی خود و دیدگاه‌های سیاسی، پایبندی دول دیگر به تعهداتشان را با تردیدهای فراوان همراه کرده و با نقض اصل حسن‌نیت، وضعیت را به سمت دلخواه خود هدایت کنند (Goldschmidt, 2009: 143). نظر به مطالب مورد اشاره، نکاتی در خصوص ارتباط سازوکار ماده ۱۲ با آیین عدم پایبندی، قابل اشاره است: در چارچوب آژانس، مدیرکل عملاً نقش سازوکار ماشه را دارد و با ارسال گزارش عدم پایبندی دولت به شورای حکام، این آیین را آغاز می‌کند. در واقع، مدیرکل نقش شاکی عدم پایبندی را ایفا می‌کند؛ شورای حکام همان نهاد پایبندی آژانس محسوب می‌شود؛ از این نظر که گزارش بازرسان را بررسی می‌کند و از دولت عضو می‌خواهد که در مورد مفاد گزارش توضیحاتی را ارائه دهد؛ کنفرانس عمومی آژانس هم مشابه کنفرانس دولت‌ها در آیین عدم پایبندی، گزارش شورای حکام را بررسی می‌کند و توصیه‌هایی را برای مقابله با عدم پایبندی انجام می‌دهد. البته کنفرانس عمومی ظاهراً قدرت اجرایی چندانی برای ملزم ساختن عضو ناپایبند به انجام اقدامات اصلاحی و جبرانی ندارد؛ اقدامات مقرر در ماده ۱۲ برای مقابله با عدم پایبندی، همانند آیین عدم پایبندی، شامل اقدامات نرم و سخت است. اینکه ابتدا از دولت خواسته می‌شود که اقدامات اصلاحی را انجام دهد، نشان می‌دهد که آژانس به دنبال این است که با اجتناب از اتخاذ اقدامات سخت، موضوع را با اتکا بر ظرفیت‌ها و توانایی‌های خود دولت حل و فصل کند و در این مسیر دولت را به لحاظ فنی و تخصصی کمک می‌کند. چنانچه آژانس در این مسیر موفق نباشد، اقدامات سخت مدنظر قرار می‌گیرد که حداقل آن، تعلیق مزایای عضویت، و حد نهایی آن، ارجاع موضوع به شورای امنیت است.

### ۳. وجوه اشتراک و افتراق سازوکار حل و فصل اختلافات برجام و آیین

#### عدم پایبندی

با توجه به مطالب پیشین مشخص می‌شود که اگرچه عنوان ماده ۳۶، «سازوکار حل و فصل اختلافات» است، آنچه این ماده پیش‌بینی کرده است، هیچ شباهتی با سازوکارهای سنتی حل و فصل اختلاف ندارد و مشابهت‌هایی با آیین عدم پایبندی دارد که به شرح زیرند: سازوکار برجام همانند آیین عدم پایبندی، امکان طرح ادعا و شکایت نسبت به عدم پایبندی توسط یک عضو علیه عضو یا اعضاء دیگر را پیش‌بینی کرده است؛ در خصوص نهادسازی، کمیسیون مشترک در واقع نهاد پایبندی سند محسوب می‌شود که غیرقضایی است و تلاش می‌کند که مبتنی بر شیوه‌دوستانه، انعطاف‌پذیر و مشورتی قضیه را حل و فصل کند. در جریان رسیدگی،

کمیسیون هرگز به دنبال این نیست که با احراز عمل متخلفانه بین المللی، قواعد عام مسئولیت دولت‌ها را اعمال کند. اعضای کمیسیون، تلاش می‌کنند که با توصیه، مشاوره و راهنمایی، عضو را به مسیر پایبندی برگردانند. در خصوص وجوه افتراق این دو سازوکار باید گفت که، کمیسیون برخلاف نهاد پایبندی در «آیین عدم پایبندی» به هیچ مرجع بالاتر از خود گزارش نمی‌دهد و نمی‌تواند اقدام عملی خاصی در برابر عدم پایبندی عضو انجام دهد. حتی هیأت مشورتی سه نفره هم صرفاً می‌توان با صدور نظریه مشورتی غیرالزام آور، به حل و فصل قضیه پردازد؛ برخلاف آیین عدم پایبندی، سازوکار بند ۳۶ نهادهای چون کنفرانس اعضا را پیش‌بینی نکرده است. علت هم این است که عملاً خود نهاد پایبندی مرکب از تمامی اعضای برجام است و نقش کنفرانس را نیز اعمال می‌کند؛ کمیسیون مشترک همانند نهاد پایبندی، از نمایندگان کشورهای عضو تشکیل شده است و از این نظر، باید گفت که یک نهاد سیاسی است تا حقوقی؛ از لحاظ مرجع تصمیم‌گیرنده در خصوص واکنش به عدم پایبندی، میان دو آیین تفاوت وجود دارد. در حالی که در آیین عدم پایبندی، صرفاً اقدامات توسط نهادهای درون معاهده‌ای اتخاذ می‌شود، در برجام، اگر نهادهای درون معاهده‌ای نتوانستند قضیه را فیصله دهند، تحت شرایط شورای امنیت وارد رسیدگی می‌شود. حتی در مورد نوع اقداماتی که برای مقابله با عدم پایبندی به کار گرفته می‌شود و دایره مصادیق آن، نیز میان این دو آیین تفاوت وجود دارد. برخلاف آیین عدم پایبندی، برجام تنها از بازگشت قطعنامه‌های تحریمی سابق شورای امنیت به‌عنوان یک اقدام سخت صحبت می‌کند.

نظر به آنچه در این مقاله گفته شد، نکاتی در خصوص اثربخشی سازوکار حل و فصل اختلافات برجام قابل اشاره است: نخست اینکه پیش‌بینی چنین سازوکاری در برجام تا حدود زیادی طبیعی به نظر می‌رسد، چراکه برجام، خود یک معاهده حقوقی الزام آور نیست و بیشتر به‌عنوان یک موافقت‌نامه سیاسی مورد پذیرش قرار گرفته است. از این منظر، پیش‌بینی یک سازوکار قضایی همچون ارجاع اختلاف به دیوان بین‌المللی دادگستری یا نهاد داوری، نمی‌توانست چندان با ماهیت حقوقی برجام سازگار باشد. در واقع سازوکار بندهای ۳۶ و ۳۷، به‌عنوان یک شیوه حل و فصل اختلاف برای موضوعات پیش‌بینی شده در سند برجام است. همچنین قطعاً وجود چنین سازوکاری نمی‌توانست مناسب چنین سندی باشد، زیرا روند رسیدگی در نهادهای قضایی و داوری اغلب زمان‌بر خواهد بود و عملاً با توجه به حساسیت برجام و تعهدات مندرج در آن، نمی‌توان انتظار داشت که طرفین منتظر رسیدگی در چنین نهادهایی باقی بمانند. نکته دوم و مهم‌تر اینکه، این سازوکار به‌واسطه عدم برخورداری از ظرفیت‌ها و ابزارهای لازم برای پایبند ساختن طرف‌ها و مسئول دانستن آنها در برابر عدم پایبندی به تعهداتشان، چندان نمی‌تواند موفقیت‌آمیز باشد. کما اینکه در عمل هم این‌گونه بود و با اینکه بارها ایران موضوع بدعهدی و نقض تعهدات آمریکا را در کمیسیون مورد اعتراض قرار داد و این

مسئله نیز مورد پذیرش نمایندگان کشورهای عضو قرار گرفت، سازوکار حل و فصل اختلاف برجام هرگز نتوانست آمریکا را وادار به پایبندی کامل به تعهداتش کند و در نهایت هم، جلسات کمیسیون مشترک به صدور یک بیانیه در اعلام عدم پایبندی آمریکا و درخواست از این کشور برای بازگشت به مسیر پایبندی ختم می‌شود. واضح‌تر اینکه، این سازوکار هرگز نتوانست مانع از بدعهدی آمریکا و خروج این کشور از برجام شود. این مسئله به‌طور جدی اثربخشی و کارآمدی سازوکار حل و فصل اختلاف برجام را زیر سؤال می‌برد. نکته مهم دیگر اینکه با توجه به عبارت بند ۲۶ برجام مبنی بر اینکه «اتحادیه اروپا و آمریکا فارغ از فرایند حل و فصل اختلافات پیش‌بینی شده، از بازگرداندن یا تحمیل مجدد تحریم‌های لغوشده خودداری می‌کنند» (JCPOA, 2015, para.26)، به‌نظر می‌رسد که طرفین از همان ابتدا به موفقیت این سازوکار خوش‌بین نبودند و به‌نوعی ضعف این سازوکار در حل و فصل اختلافات طرفین و پایبند نمودن طرف‌ها به تعهداتشان را پیش‌بینی می‌کردند؛ کما اینکه در عمل هم نشان داده شد که این سازوکار هرگز در ملزم‌ساختن طرف مقابل به پایبندی به برجام موفق عمل نکرده است.

### نتیجه‌گیری

سازوکار حل و فصل اختلافات برجام، با وجود ضعف‌هایی که دارد، شیوه نو و تازه در حقوق بین‌الملل هسته‌ای محسوب می‌شود که پیش از این، هیچ سابقه‌ای نداشته است. در چارچوب این سازوکار، خود دولت‌های عضو برجام، تمامی اقدامات لازم در زمینه بررسی وضعیت پایبندی هر یک از اعضا به تعهدات را انجام می‌دهند؛ دولت‌ها، خودشان قاضی هستند و موارد عدم پایبندی را احراز می‌کنند و خودشان هم اقدامات لازم برای مقابله با عدم پایبندی را در نظر می‌گیرند. این سازوکار تا حدودی می‌تواند جلوی خودسری‌های دول عضو را بگیرد؛ هرچند وضعیت به‌گونه‌ای است که آن کشورهای عضو برجام که عضو دائم شورای امنیت هستند، می‌توانند زمانی که پرونده عدم پایبندی یکی از طرفین در شورای امنیت مطرح است، با وتوی خود، اجازه تصویب قطعنامه شورای امنیت در زمینه استمرار لغو تحریم‌ها را ندهد و دوباره شاهد اعمال تحریم‌های پیشین باشیم. خروج آمریکا از برجام که در پی نقض‌های مکرر این سند توسط این کشور به‌وقوع پیوست، و عدم واکنش مناسب به این اقدام، نقاط ضعف برجام به‌ویژه سازوکار حل و فصل اختلافات آن را بیش از پیش آشکار ساخت؛ نقطه ضعفی که کاملاً قابل پیش‌بینی بود. کما اینکه از همان روزهای نخستین توافق نیز بسیاری از کارشناسان، از این منظر که این سند، یک توافق سیاسی و نه معاهده حقوقی است، به غیرالزام‌آور بودن آن اشاره کردند و حتی تصویب قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت را نیز تضمینی جهت اجرای تعهدات به‌شمار نمی‌آوردند. در خصوص ماهیت سازوکار حل و فصل اختلافات در برجام باید گفت که شیوه در نظر گرفته‌شده با سازوکارهای سنتی حقوق بین‌الملل برای حل و فصل اختلافات متفاوت

است و مشابهت‌هایی با آیین عدم‌پایبندی‌ای دارد که برای نخستین‌بار در موافقت‌نامه‌های زیست‌محیطی چندجانبه پیش‌بینی شد. در چارچوب این آیین شاهد به‌کارگیری طیفی از اقدامات از تدابیر نرم گرفته، تا تدابیر سخت در واکنش به عدم‌پایبندی هستیم. در برجام هم، به عمل تخطی از تعهدات، اطلاق عدم‌پایبندی شده است و کمیسیون مشترک از ماهیت نهادهای آیین عدم‌پایبندی برخوردار است و هرگز یک نهاد قضایی یا داوری نیست که در پی تخلف عضو، آنچه را اتفاق افتاده است، عمل متخلفانه بین‌المللی بداند و آثار مسئولیت بین‌المللی را بر آن بار کند. از لحاظ واکنش به عدم‌پایبندی هم، کمیسیون مشترک به سراغ قواعد عام مسئولیت بین‌المللی دولت در زمینه شیوه‌های جبران خسارت نرفته است و در صورت احراز عدم‌پایبندی و لغو برجام، تنها یک اثر و نتیجه بار می‌شود، و آن بازگشت تحریم‌های شورای امنیت است. سازوکار برجام در نوع خود پدیده جدید و ابتکاری محسوب می‌شود. بی‌تردید پیش‌بینی سازوکارهای حقوقی همچون داوری و دادگستری برای حل و فصل اختلافات، می‌توانست به‌ویژه از جهت اطالۀ دادرسی، اجرای برجام را با مشکلات فراوانی روبه‌رو کند. رویکرد غالب در سازوکار حل و فصل اختلافات برجام، این است که اختلافات فی‌مابین به‌نحو دوستانه و مبتنی بر مذاکره حل و فصل شود. در واقع تا پیش از ورود و مداخلۀ شورای امنیت، این نمایندگان اطراف سند هستند که تلاش می‌کنند مبتنی بر یک کارشناسی با ویژگی‌های غیرقضایی و مشورتی و در حداقل زمان ممکن، قضیه را فیصله دهند. در مجموع به نظر می‌رسد با وجود برخی ایراداتی که ممکن است به این سازوکار وارد دانست، شیوه مقرر بتواند بنا به همان امتیازاتی که برای آیین عدم‌پایبندی در مقایسه با سازوکارهای سنتی حل و فصل اختلافات در نظر گرفته شد، سهولت بیشتر در اجرای برجام را در پی داشته باشد.

## منابع

### ۱. فارسی

#### الف) کتاب‌ها

۱. احدیان، محمد سعید (۱۳۹۴)، *برجام در تحلیل کلان و خرد*، تهران، مؤسسه فرهنگی هنری خراسان.
۲. بعیدی‌نژاد، حمید (۱۳۹۴)، *گام به گام با برجام از آغاز تا فرجام*، تهران: نشر مخاطب.
۳. ساعد، نادر (۱۳۸۷)، *گفتارهایی پیرامون ایران و حقوق بین‌الملل انرژی هسته‌ای*، چ اول، تهران: خرسندی.
۴. غریب‌آبادی، کاظم (۱۳۸۷)، *برنامه هسته‌ای ایران، واقعیت‌های اساسی*، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چ اول.

۵. میرعباسی، باقر؛ میرعباسی، فرناز (۱۳۹۰)، *نظام جهانی ارزیابی و حمایت از حقوق بشر*، ج ۲، چ اول، تهران: جنگل.

### ب) مقالات

۶. دلخوش، علیرضا (۱۳۹۶)، «برجام و پسابرجام از دیدگاه حقوق بین الملل»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال ۳۱، ش ۱، صص ۷۳-۵۱.
۷. رضائی پیشرباط، صالح (۱۳۹۵)، «تأملی بر دستاوردهای حقوقی برجام»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال نوزدهم، ش ۲، صص ۱۰۶-۸۳.
۸. سادات میدانی، حسین (۱۳۹۵)، «اختلافات آژانس بین المللی انرژی اتمی با ایران در پرونده هسته ای از دیدگاه حقوق بین الملل»، *مجله حقوقی بین المللی*، ش ۵۴، صص ۲۵۶-۲۱۹.
۹. محمودی، سهیلا؛ تقی زاده انصاری، مصطفی (۱۳۹۵)، «حل و فصل اختلافات در برجام (برنامه جامع اقدام مشترک)»، *چهارمین کنفرانس بین المللی رویکردهای نوین در علوم انسانی*، استانبول ترکیه.
۱۰. ملاکریمی، امید؛ جلالی، محمود؛ رئیسی، لیلا (۱۳۹۶)، «تحلیل حقوقی «قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت» و بررسی رابطه آن با «برجام»»، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، دوره ۴۷، ش ۴، صص ۱۰۲۱-۹۹۵.
۱۱. محبی، محسن؛ بذآر، وحید (۱۳۹۶)، «سازوکار حل و فصل اختلاف ناشی از برجام و تعیین تکلیف تحریم های هسته ای ایران در برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد»، *مطالعات حقوقی*، دوره ۹، ش ۴- ش پایانی ۲۶، صص ۲۷۹-۳۰۶.

### پ) سایت های اینترنتی

۱۲. گفت و گو با دکتر محمدجعفر قنبری جهرمی، «ارزیابی توافق هسته ای با معیارهای حقوق بین الملل»، روزنامه ایران، ش ۶۰۰۰، ۲۲ مرداد ۱۳۹۴، تاریخ مشاهده: ۱۳۹۷/۱/۶، <http://www.iran-newspaper.com/newspaper>
۱۳. «نگاهی به ۶ نشست کمیسیون مشترک برجام»، تاریخ انتشار: ۱۳۹۶/۲/۴، تاریخ مشاهده: ۱۳۹۷/۱/۴، <https://www.mashreghnews.ir/news/715015>
۱۴. «هفتمین گزارش سه ماهه وزارت امور خارجه به کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی در خصوص اجرای برجام»، تاریخ انتشار: ۱۳۹۶/۷/۲۶، [http://www.mfa.gov.ir/uploads/1\\_5134601048379359288](http://www.mfa.gov.ir/uploads/1_5134601048379359288)
۱۵. «متن کامل گزارش کمیسیون ویژه بررسی برجام در مجلس»، تاریخ انتشار: ۱۳۹۴/۷/۱۲، تاریخ مشاهده: ۱۳۹۷/۶/۲۸، <https://www.farsnews.com/news/13940712000110>

**A) Books**

16. Romano, Cesare P. R. (2000), *The Peaceful Settlement of International Environmental Disputes: A Pragmatic Approach*, The Hague, the Netherlands: Kluwer Law International.

**B) Articles**

17. Bigi, Giulia (2009), "Draft Non-Compliance Procedure under the 2001 Stockholm Convention on Persistent Organic Pollutants", in: *Non- Compliance Procedures and Mechanisms and the Effectiveness of International Environmental Agreements*, Tullio Treves et.al (Eds), The Hague, The Netherlands: T.M.C. Asser Press, pp.121-135.
18. Brunnée, Jutta (2006), "Enforcement Mechanisms in International Law and International Environmental Law", in: *Ensuring Compliance with Multilateral Environmental Agreements A Dialogue between Practitioners and Academia*, Ulrich Beyerlin et al. (Eds), Netherlands: Martinus Nijhoff Publishers, pp. 1-23.
19. Bafundo, Nina E (2006), "Compliance with the Ozone Treaty: Weak States and the Principle of Common but Differentiated Responsibility", *American University International Law Review*, Vol. 21, Issue. 3, pp.471-472.
20. Fitzmaurice, Malgosia (2004), "The Kyoto Protocol Compliance Regime and Treaty Law", *Singapore Year Book of International Law and Contributors*, Vol. 8, pp. 23-40.
21. Fitzmaurice Malgosia & Catherine Redgwell (2000), "Environmental non-compliance procedures and international law", *Netherlands Yearbook of International Law*, Vol. 31, pp.35-65.
22. Goldschmidt, Pierre (2009), "Exposing Nuclear Non-compliance", *Survival, Global Politics and Strategy*, Vol. 51, Issue. 1, Pp.143-164.
23. Jacur, Francesca Romanin (2009), "Triggering Non-Compliance Procedures", in: *Non- Compliance Procedures and Mechanisms and the Effectiveness of International Environmental Agreements*, Tullio Treves et.al (Eds), The Hague, The Netherlands: T.M.C. Asser Press, pp.373-387.
24. Kuokkanen, Tuomas (2006), "Practice of the Implementation Committee under the Convention on long-range Transboundary Air Pollutio", in: *Ensuring Compliance with Multilateral Environmental Agreements A Dialogue between Practitioners and Academia*, Ulrich Beyerlin et al. (Eds), Netherlands: Martinus Nijhoff Publishers, pp. 39-51.
25. Mardani, Nader and Mohammad Mehdi Hooshmand (2016), "JCPOA; A Dialectical Paradigm of Treaty and Other International Instruments", *Journal of Politics and Law*, Vol. 9, No. 3, pp.70-84.
26. Simmons, Beth A., (1998) "Compliance with International Agreements", *The Annual Review of Political Science*, Vo.1.

**C) Documents**

27. Statute of IAEA, 1957.
28. Joint Comprehensive Plan of Action (JCPOA), 14 July 2015.
29. Security Council, *UN Doc. S/RES/2231*, 20 July 2015.
30. United Nations Environment Programme, *Manual on Compliance with and Enforcement of Multilateral Environmental Agreements, Annex I: The UNEP Guidelines on Compliance with and Enforcement of Multilateral Environmental Agreements*, 2006.
31. Verification and monitoring in the Islamic Republic of Iran in light of United Nations Security Council resolution 2231 (2015), IAEA, Board of Governors, *GOV/2018/7*, 24 May 2018.
32. Report of the Conference of the Parties to the Basel Convention of the Control of Transboundary Movements of Hazardous Wastes and their Disposal, *Doc. UNEP/CHW.6/40*, 10 February 2003, *Annex: Establishment of a Mechanism for Promoting Implementation and Compliance, Decision VI/12*.
33. *Report of the Tenth Meeting of the Parties to the Montreal Protocol on Substances that Deplete the Ozone Layer, UNEP/OzL.Pro.10/9*, 3 December 1998, *Annex II: Non-Compliance Procedure*.
34. *Report of the Conference of the Parties on its Seventh Session, UN Doc. FCCC/CP/2001/13/Add.3*, 21 January 2002, Procedures and mechanisms relating to compliance under the Kyoto Protocol, Decision 24/CP.7, Annex: Procedures and mechanisms relating to compliance under the Kyoto Protocol.
35. *Report of the Tenth Meeting of the Parties to the Montreal Protocol on Substances that Deplete the Ozone Layer, Doc. UNEP/OzL. Pro.4/15*, 25 November 1992, Annex V: Indicative List of Measures that Might be Taken by a Meeting of the Parties in Respect of Non-Compliance with the Protocol.
36. Report of the Secretary -General on the implementation of Security Council resolution 2231 (2015), UN Doc. S/2016/589, 12 July 2016.
37. Chair's statement following the 21 July 2017 meeting of the JCPOA Joint Commission 21 July 2017.
38. Chair's statement following the 16 March 2018 meeting of the JCPOA Joint Commission, 16 March 2018.
39. Statement from the Joint Commission of the Joint Comprehensive Plan of Action, 6 July 2018.
40. Chair's statement following the 25 May 2018 meeting of the Joint Commission of the Joint Comprehensive Plan of Action, 25 May 2018

**D) Websites**

41. President Donald J. Trump is Ending United States Participation in an Unacceptable Iran Deal, Issued on: May 8, 2018, last visited: 28 May 2018, Available at: <https://www.whitehouse.gov/briefings-statements>
42. Foreign Ministry statement on developments around the Joint Comprehensive Plan of Action on Iran's nuclear programme, Issued on: May 8, 2018, last

visited: 28 May 2018, Available at: [http://www.mid.ru/en/foreign\\_policy/news/-/asset\\_publisher/cKNonkJE02Bw](http://www.mid.ru/en/foreign_policy/news/-/asset_publisher/cKNonkJE02Bw)

43. Joint statement from Prime Minister May, Chancellor Merkel and President Macron following President Trump's statement on Iran, Issued on: May 8, 2018, last visited: 20 May 2018, Available at: <https://www.gov.uk/government/news/joint-statement-from-prime-minister-may-chancellor-merkel-and-president-macron-following-president-trumps-statement-on-iran>
44. Joyner, Dan, "Guest Post: The Joint Comprehensive Plan of Action Regarding Iran's Nuclear Program", issued: 15 July 2015, Last visited: 21 September 2018, Available at: <http://opiniojuris.org/2015/07/15/guest-post-the-joint-comprehensive-plan-of-action-regarding-irans-nuclear-program/>

